

چهارده<sup>۸۲</sup>، در زمینی مسطح است. و سد طرف آن<sup>۸۳</sup> کوه است. نام‌های آنها: قلعه‌ورزون، سربندان، خراب‌ده. گویند هفتادسال پیش ازین زکی خان برادر کریمخان حکم قتل‌عام داده، آنجا کله مناری ساخت. در این چهارده: چهارصد خانوار است، ۴ مسجد. هوای آنجا خنک و بی‌لاق. اهالی آنجا گله‌بان و چارپاداران. و پلنگ و ببر و دیگر درندگان بسیار. گویند در اطراف آن چشمه باداست. چون نجاستی بران افکنند تا ناپاکی بدان نزدیک رود طوفان شود. محمد شاه اول آزمایش خواست، باد، لشکریان او را از یکدیگر پاشید. از ده تک تا آنجا ۴ فرسخ، و از استرآباد تا جهان‌نما ۶ فرسخ. چون از چهارده سه ورس سرازیر گذرند، راهی از طرف چپ به شه‌شیربر گشوده شود، در میان دو کوه بلند، از میان آنها چشمه‌های بزرگ روان. ازین راه کمتر روند. بخصوص زمستان و سواره این راه از طرف راست به چمن‌ساوان رفته، از آنجا از طرف چپ به ده بار کلا. از چهارده تا بار کلا ۶ فرسخ. از شاهرود تا گز ۲۵ فرسخ [است]. کوه‌های شاهرود و استرآباد را معدن‌هاست و آب‌های معدنی<sup>۸۴</sup>. مردمانی گویند در این اماکن است که ذکر می‌شود:

اسامی کوهها	فرسخ تا استرآباد	اسامی معدن
کوه سرخ ریزه	در ۸ فرسخی	زغال سنگی دارد
کوه بالا جاده	۳	زغال سنگی و مس
چموشک	۳	مس
کوه پیش‌مالیدن	(درسدن رستاق است)	طلا
کوه زیارت خاصه رود	۴	آهن
کوه قبله زیارت خاصه رود	۴	زغال سنگی

۸۲- در متن «چهارده» و «چارده» هر دو آمده است. و به صورت «چارده» تصحیح شده است.

۸۳- متن: او

۸۴- جمله مغشوش است و ظاهراً باید بدین صورت باشد: مردمان گویند معدن در این اماکن است.

زغال سنگی	۵	کوه پیش‌نوترک میدان
سرب	۴	کوه شاه‌پسند
سرب	۵	اسب نیز
مس	۶	کوه جرستان
سرب	۷	دهنده‌بندشاه کوه پائین <sup>۸۵</sup>
نفت سیاه	۷	کوه‌سیدکی شاه‌کوه بالا
آهن	۷	شاه‌کوه بالا
سرب	(۴)	کوه کوکوشان <sup>۸۶</sup>
مس	۶	کوه چالخانه
سرب	۶	پرکرد کوه
سرب و آهن	۷	اسب‌خور
زغال سنگی	(۴)	... <sup>۸۷</sup> شاهوار
زغال سنگی	(۴)	سرخال
سرب و مس	۸	یزدک کتول
سرب	(۴)	کوه تاجر
تخت‌سنگ	(۴)	ساور
سرب و آهن	۱۰	کوه کلاریز کتول
آهن سنگ و زغال	۱۲	دهنه سرخ محله کتول
قلع و مس	۱۲	کوه قلعه ماران
مس	۱۵	کوه گلستان کوه‌سر
آهن و سرب	(۴)	کوه تاجررمیان
مس و سرب	(۴)	کوه تاجرخاندوز
مس	۱۶	رودخانه‌بالاشاه خاندوز

۸۵- متن بدین قرار است دهنده‌بند شاه‌کوه پائین، که قیاساً تصحیح شد.

۸۶- در متن فاصله فرسخ تا استرآباد گذاشته نشده. دواردی که شبیه آن است با علامت (۴) مشخص شده است.

۸۷- یک لغت خوانده نشد.

وزن کوه ساور	۱۲	،،	سرب و آهن
کوه زردامغان	۲۶	،،	نقره
کولکی	۲۷	،،	مس
رشم	۲۰	،،	فیروزه
کوسار	۲۶	،،	زغال
کوه کالکی	۲۸	،،	مس
لوشموار	۲۸	،،	مس
تورود	۲۸	،،	مس
سیاه کوه چشمه شیرین	۲۶	،،	یاقوت و زمرد
کوه زرخراب	۲۰	،،	نقره و طلا

#### مازندران

[مازندران] مشتمل است به سواحل جنوبی دریای خزر. در شرقی آن بلوک رودسر است و در غربی آن رودخانه سرخانی که مشهور است به سفید تمیشد. و در جنوبی آن کوه‌های البرز و کوه دماوند در وسط آن افتاده: طول آن از کناره دریا ۵۱ فرسخ؛ عرض آن منتهی به فیروز کوه؛ و از کناره دریا تا فیروز کوه ۲۳ [فرسخ].

#### بلوک و ولایات متعلقه مازندران

ولایت اشرف کدشهر اشرف به آن نامیده شده، از جرکلباد یا گلوگاه است تا رود نیکاه<sup>۹۰</sup>:

۱- بالا بلوک که هزار جریب نیز گویند در کوهستان طرف جنوبی شهر است.

۲- پائین بلوک یا میان دورود که در شمالی اشرف در زمین هموار است. رودخانه بزرگی جزا ترک ندارد.

#### ولایت ساری

از رودخانه نیکاح است تا رودخانه تالار و شهر این ولایت

نیل کوه	۲۲	،،	مس و آهن و قلع
کوه کله قلعدپوش <sup>۸۸</sup>	۲۵	،،	آهن و مس
دال کوه دمل	۲۰	،،	زغال سنگ <sup>۸۹</sup>
کوه کردتی قلعدپوش	۲۶	،،	سنگی است که به لعل پیاز نامند
آق پوش کوش قلعدپوش	۲۵	،،	آهن و مس
کوه اردمه ابر	۳۵	،،	آهن و مس
زغال چال ابر	۲۰	،،	قطران زمینی و یاقوت سرخ
زرین کهر	۲۰	،،	مس و رنگ
سیاه کوه بسطام	۲۰	،،	رنگ و زغال و آهن
دره شاه قلی	۱۵	،،	مس و آهن
غار مغان شاهرود	۱۸	،،	مس و سرب و آهن
کوه زراسید تارزه	۱۸	،،	طلای سفید
دولاب تازیده	(؟)	،،	آهن و مس
کالاریز تازره	۱۶	،،	سرب و مس
تنگ آب چهارده	۱۵	،،	زغال سنگ و آهن
بره موجن	۱۵	،،	سرب
کجه کلاته	۱۵	،،	مانند صدف چیزی است که در دریا هم هست
کوه شوراب نمک	۱۵	،،	آهن
چهل دارنمک	(؟)	،،	نمک
کوه فرازین توئدلی	۱۴	،،	مس و آهن
شاهدار چشمه علی	۱۸	،،	آهن و قلع
کوه اوه آق بانو	۱۵	،،	آهن و مس
کوه کبود سرخ کرینه	۱۶	،،	آهن و پراکس
رادکان	۹۲	،،	سرب

۸۸- متن: قلعیوش

۸۹- متن: در بیشتر موارد «زغال سنگ» آمده است.

۹۰- در فرهنگ جغرافیا این اسم «نکا» ضبط شده است. و در این متن به صورت‌های زیر دیده می‌شود: نگاه، نکاح، نیکاح، که رعایت اهانت شد.

به همین نام و در میان این دو رودخانه رود تیجن است؛ که از کناره شهر می‌گذرد، متعلقات آن:

۱- کلیجان رستاق: که در جنوبی غربی شهر است.

۲- بلوک نیکاه: که در شرقی شهر است.

۳- فرح آباد: که در شمالی دریاست و رود تیجن از آنجا می‌گذرد.

۴- بلوک میلرود و اندرود و در میان دورود و قراطغان که در طرف شمالی و شمالی شرقی است. و از میانه آن هر سه رود می‌گذرد.

۵- شیرگاه: که در جنوبی شهر در میان دو رود تیجن و تالار است. و به این بلوکات منقسم است:

هزار جریب، علی آباد، کیا کلا، تلاری.

### [ولایت بارفروش]

ولایت بارفروش واقع است میان رود تالار<sup>۹۱</sup> و هراز از میان آن رودخانه بابل یا فری کنار می‌گذرد و خود این شهر در وسط مازندران است و دو بلوک به او وابسته:

الف- بلوک بیشه‌سر: که در بیشه‌زار و اطراف شهر است.

ب- بلوک مشهد سر: که در شمالی شهر و دریاست. و سه بلوک به او وابسته.

ج- بلوک پازوار.

د- مشکنجروز یا مشاطه کنجروز.

ه- بند پی: و منقسم است به دو قسم: ۱- کلاری یا ایربندی

۲- سنجروبی یا یوربندی، و از این بند پی چند رود می‌گذرد:

تالارود، بازی رود، سنجرد.

ق- بلوک بابل کنار.

ز- لاله آباد

ح- ساسی کلم

۹۱- در هتین تالار و تالار هر دو آمده است

ط- جلال ازرق

ی- دابو و در طرف جنوبی و شرقی این بلوکات است تا

کیا کلا یا تلاری

قت- علی آباد

تچ- بالا تیجن

تد- سواد کوه

ته- لفور یا لیور

### [ولایت آمل]

ولایت آمل: بلوک آمل واقع است در طرف غربی بارفروش.

بلوکات آن:

الف: اهل رستاق ب: هرازی و دابو ج: دشت سزد: اجی آباد:

ه: پائین لیتکو، بالالیتکو.

بلوکی که در طرف غربی رود هراز واقع است: بلوک نور، کجور،

کلار رستاق، تنکابن، سخت‌سر.

شهر جاکم‌نشین مازندران بارفروش است. و حکمرانی آن را

تغییر و تبدیل است. بسا باشد که گاهی اوقات به استرآباد متعلق شود.

### [ولایت اشرف]

ولایت اشرف واقع است در دامنه کوه به مسافت سه فرسخ از

جز کلباد و ۸ ورست از کناره دریا در میان جنگستان. و بسیار با

طراوت و با صفاست. و از سایر شهرهای مازندران به وفور نعمت‌های

طبیعی و دیگر محسنات آن را نوع امتیازی است. ولی با این همه،

ویرانه و مفلوک‌ترین بلوکات مازندران است. دیه اشرف از زمان

شاه عباس مشهور گردید. چه پسند طبع شاه عباس افتاد و اقامتگاه

خود ساخت. باغات و عمارات عالیه در آن بنا نهاد. چنانچه ایرانیان

گویند عمارات اشرف بهتر از همه عمارات ایران بوده و برابری با

همه بناهای روی زمین می‌نموده. پس از شاه عباس چنانچه استرآباد

اکنون تاختگاه تراکمه است، اشرف بوده. جنگ‌های چند در آن

افتاد. شورش‌های بیایی و خطرناکی مکان مایه این آمد که

بیشتر ساکنین از آنجا جلا اختیار کردند.

محمد شاه در روزگار حکمرانی خود اشرف را مرمتی نمود، پس از آن رفته رفته باز از نظرها افتاده، اکنون دیهه‌ی است ویرانه باغ‌های آن در دامنه کوه و به باغات شاهی نام بردارند.

شش باغ که در پهلوئی یکدیگر افتاده: ۱- باغ چهل ستون با عمارتی به همین نام ۲- باغ چشمه ۳- باغ خلوت که حرام‌سرا بوده ۴- باغ شمال ۵- باغ صاحب‌زمان با عمارت ۶- باغ تپه.

این باغ‌ها به دیوارهای سنگین بلند از یکدیگر منفصلند.

عمارت چهل ستون<sup>۹۲</sup>:

عمارتی است تالار آن<sup>۹۳</sup> یکمتر تپه و کوشوار آن<sup>۹۴</sup> دومتر تپه مشتمل به ۱۶ ستون چوبی. اکنون در میان اطاق‌های آن گودهای آتش و اجاق‌ها کنده، دیوارها سیاه، در و پنجره سوخته و کنده بجز سه در، آنجا چیزی نیست. اتاق‌های بالا جایگاه آیندگان و روندگان [است]. گویند در ۱۱۴۴ = ۱۷۳۱ نادرشاه آن عمارت را برپا داشت. چه افغانه تمامی اشرف را سوزانیده بودند. گویند در ۱۶۱۲ آغاز شد و در ۱۶۲۲ به انجام رسید. و در ۱۷۴۳ خالی شده، از نظر افتاد. در برابر عمارت حوضی است عرضاً ۵۰ قدم، طولاً ۶۰ قدم، عمقاً یک ذرع و نیم و مسمی به حوض چراغان. در دو طرف آن جوئی سنگین؛ تا به دروازه، اطراف آن سوراخ‌ها برای نهادن شمع‌ها، عرض آن سه چهار یک ذرع و عمق، چهار یکی طول. باغ‌شاه تخمیناً ۵۲۰. عرض آن<sup>۹۵</sup> ۲۴۰ قدم است.

عمارت باغ چشمه:

نیم ویرانه در در و دیوارهای آن<sup>۹۶</sup> اثری از تصاویر و نقوش انگلیسی و چینی که با لباس و وضع خود کشیده بودند، نیست. در برابر عمارت، حوضی بوده آب آن از هزار جریب.

باغ تپه:

در تپه خاکریز ساخته اثری برجاست و بس. آنچه درین باغ از مشهورات است ۶ اصله سرو است که بسیار بلند است. دروازه شمالی آن به<sup>۹۷</sup> باغ زیتون می‌رود؛ که از زیتون اثری نیست.

باغ خلوت

دو مرتبه بوده اکنون بجز گوشوارهای آن همگی ویران. در دیوارهای آن اکنون هم آثار تصاویر زنان است. در مرتبه پائین حوضی است که برای آب رفتن حرمیان بوده، از صندلی‌های<sup>۹۸</sup> مرمر اطراف آن اثری نیست. دیواری بس بلند داشته که از باغ صفی‌آباد یا کوه‌ها، سرائیان را نبینند.

باغ شمال:

زیستگاه کنیزان بوده. عمارتی داشته که آن<sup>۹۹</sup> را ویران ساخته‌اند. از آلات او دیگر عمارتی در دیگر جائی بنا نهاده‌اند که از آنها نیز اثری نیست.

هانوی سیاح گوید: سفره‌خانه در عمارت صاحب‌الزمان بود، که برای حرمت و آزر بی‌شمسیر بدانجا درون آمدندی، دیوارهای آن را تصاویری چند با دو صورت شاه عباس بوده. دست‌رنج بسیار در آنها برده بودند. و رو بروی حوض عمارت صاحب‌الزمان نزدیک به دروازه برجی بوده، ایلچیان فرنگستان را بدانجا پذیرائی می‌نمودند. بالای دروازه‌های باغ‌ها شیر و خورشید و در کریاس<sup>۱۰۰</sup> سی حجره برای چشم. پس از شاه عباس کسانی دیگر نیز درین عمارت‌ها منزل گزیدند چون: شاه صفی، نادرشاه، عادلشاه، محمدحسنخان پدر محمدشاه.

بیشتر خرابی‌های عمارات اشرف از صدمات استنک زینه بود. اکنون عمارات باغ‌های شاهی به بدترین صورتی ویران. عمارت

۹۸- متن: سندلی

۹۹- متن: او

۱۰۰- کریاس: محوطه درون سرائ

۹۲- متن: چلستون

۹۷- ۹۳- متن: او

خانه‌های اشرف ۸۴۵ بیشتری از نی است.

### دهات بلوک میان دورود:

توس کلا، ولاشت، شنبدین، کلچالر، زیرخیابان، درجی محله، حاجی محله، سریش کلا، نیم‌چاک، نودرآباد، زاغ‌رزبائین (طایفه عبدالملکیان را از کلاردشت به این دیه کوچانیده بوده‌اند). زاغمرز بالا (رودی به این نام دارد کرجی در آن توان راند) چار امام (مسجدی به همین نام دارد، از نوروکجور عبدالملکیان را به این دیه آوردند). کیوترخان، قراتپه (اینجا در بلندی است و از دور به سیاهی زند از کناره دریا یک ورست است، گویند در زمان شاه‌عباس بندرگاه بوده و کشتی‌ها تابه نزدیکی آن می‌آمدند، کاروانسرائی نیز با عمارت شاهی بوده افاغنه و قندهاریان را در ایام نادرشاه به آنجا کوچانیده بودند ولی پس از مردن شاه همگی یا به استرآباد به همسایگی کوکلان رفتند یا به ولایت خود. محمد شاه اول با آن افاغنه را به ساری و بدانجا آورده. اکنون در قراتپه صد خانوارند. زبان خود را فراموش کرده، با ترکی یا مازندری گویند. و به جهت تسنن با تراکمه بهتر جوشند و دوستی کنند و تراکمه نیز مراعات جانب ایشان نگاه دارند، نفت و نمک به قراتپه آرند، افاغنه از آنجا به جایهای دیگر برند، اجاره گمرک قراتپه هر ساله ۱۲۰ تومان)

۲ مسجد دارد، مسجد گیلک و مسجد افغان. رودخانه آب‌شیرین و آب‌شور و آب اترک نیز انجاست. ولی برای آشامیدن آب خوب ندارند. آب این سه چشمه بسیار کم است، چون افاغنه به نزدیکی آنجا آیند، بارهای خود را به ناوهای کوچک نهاده، می‌آیند. از گز تا قراتپه ۶ فرسخ و از قراتپه تا اشرف ۷ یا ۸ ورست. دهات طرف غربی اشرف که در دامنه کوه است، طالش محله [نام دارد و]، صد خانوار است. گویند در ایام محمد شاه اینان را از لنکران آورده‌اند. ثوربجان، کهسان، کرجی محله، رستم کلا، کامشیان ابلو، شوراب سر، لکنارشو (صد خانوار)، چاله پل.

بسیار بلند مرتبت را گرمابه یا جای گاوان و خران ساخته‌اند. خیابانها که گلزار و گلشن بوده، اکنون چراگاه چرندگان است. از درختان، بجز سرو و لیمو و پرتقال<sup>۱۰۱</sup> و توت و انار کمتر درختی بهم می‌رسد. مشهورترین درختان آنجا درخت باتاد است. بیشتر این درختان را با رنج‌ها و زیان‌های بسیار به فرمان شاه‌عباس از هندوستان آورده‌اند. درهای باغ‌ها اگر چه گشوده است و مانعی نیست، ولی از ترس دزدان کسی را یارای درون رفتن نبود.

### عمارت صفی آباد:

در جانب شمال [پای] کوه افتاده بجز دیوار سفید [ش] که از کناره دریا دیده می‌شود، چیزی برجا نیست. و سه مرتبه بوده، پائینی بسیار پاکیزه و جای پذیرائی مردمان بزرگ و حجره [ای] منبت دارد. هم در اینجا رصدخانه برای ستاره شمران بوده، این جایگاه بسیار باصفاست، چه مشرف است به اطراف دریا و کناره‌گر و بیابان تراکمه.

### محلات اشرف:

محله فراش، بازار محله، نقاش محله، کرجی محله، چشمه سر، کرایلی محله (که جایگاه تراکمه بوده که در روزگار محمد شاه اول از کالیپوش کوچانیده بودند).

### مساجد:

جامع محمد نصیرخان (با مدرسه)، باشی (با مدرسه)، چال، میرزا مهدی اشرفی (با مدرسه)، از مدارس ملا صفرعلی دیده می‌شود<sup>۱۰۲</sup>.

دو کاروانسراست، ۷۰ دکان،

### گرمابه‌ها:

حمام شاه، میرزااقا، قاضی، حاجی، آخوند، اسمعیل خان فراززر<sup>۱۰۳</sup> گویند نخست در اشرف ۳۵ حمام بوده. اکنون همه

۱۰۱- متن: پورتقال

۱۰۲- این جمله ناقص است.

۱۰۳- متن: فرازر



جاده‌ای نزدیک آمل

### دهات از قرآپه تا ساری:

کلاچاله، اترب، بازود کلا، غریب محله، افراباغ، تیاغدی، اتی کلا.

### دهات از اشرف تا سرحد استرآباد:

لیمبراس، تیرتاش، طیلنو (استانه ملا عمادالدین آنجاست) ران، سراج محله، خورشید کلا، گلوگاه (طایفه عمرانو را از قراباغ و قراداغ در عهد محمد شاه به اینجا کوچانیده‌اند) مالیات ۳۳۵ تومان تفنگچی ایام جنگ ۲۰۰ نفر که ۸۱ نفر افغان باشد.

از شهر اشرف به شهر ساری نخست راه از کوه صفی‌آباد است که خیابان شاهی است. پس از چار ورست راهی باریک به جنگلستان است. و در آنجا راهی است یک طرف آن دریا و دیگر طرف جنگلستان. از اشرف تا به اینجا ۷ ورست. پس از آن راهی است در کنار رود نیکاح و پلی دارد که فتحعلی شاه بنا نهاده از دو ورستی شهر راهی است باریک. از روی پل تیجن که از ۱۸ ستون سنگی است و نه چشمه دارد. در بهار همه پر از آب. گویند نه چشمه از کوه هزار جریب بدان می‌پیوندد. در تابستان یک چشمه آنرا آبست و آن هم اندکی. در کوه‌های تیجن، بسیار معدن آهن است. باری این پل اول شاه عباس بوده، خراب شده، پس از آن فتحعلی‌شاه ساخته. از شهر اشرف تا ساری یک روز راه است.

### شهر ساری:

بنای آن بسیار قدیم و در بانی آن اختلاف پاره [ای بانی آنرا] کیومرث، و پاره [ای] تیمورت، برخی افریدون و ایرج دانند. پاره‌ای از مورخین گویند زردکات نام شهری که استرابون حکیم گوید که اسکندر رومی در آن چند روز قربانی‌ها و جشن‌ها کرد، شهرساری است.

ظهیرالدین گوید فرخان بزرگ در ۷۰۰ عیسوی ساری را برای پسندیدن جایگاه او به یکی از خویشان خود فرمان داد که بنا گذارد، او از اهالی آنجا رشوت گرفته، خواست وی را ازین اندیشه

باز دارد.<sup>۱۰۴</sup> فرخان دانسته با طناب وی را خفه ساخت. و فرمان داد در تردیکی آمل در دیه اویجان به نام سارویه پسر خود این شهر را بنا نهادند. نخست شهری بزرگ بود. و متاع آن ابریشم. در ۹۳۶ به واسطه سیل یا زمین لرزه ویران شده. ساکنین جایگاه خود را در دامنه کوه ساختند. اکنون ساری قدیم دیه شعبان است و آثار آن پدیدار. از ابنیه ساری قدیم، امامزاده یحیی است. بنای آن از هرون-الرشید است. و اتمام آن از مازیار. و صومعه [ای] که شاهزاده محمد سلطان رضا در آن است. با قبر کیفعلی شاه که گویند: [او] سنگی داشته که هر فلزی را زر کردی. در وقت مردن [آن سنگ را] به رود تیجن انداخت. همچنین گویند به دستگیری علوم خبایا و خفایای آنجاها را پیدا کرده، در گوشه سنگ قبر خود نوشت: من بنده بنده دستگیری درویشی شاه نام از زن متولی آنجا خواستم صورت آنرا داد که اکنون هم در نزد مترورن ضبط است [کندا]. در شرقی شهر، تل‌های آجرین و سنگین است. گویند آثار برج‌ها و منجیق‌های سلم و تور است که به کین خواهی ایرج در دست منوچهر کشته گردیدند و فرمان داد که بالای قبر آنها گنبدی ساختند و به نام سلم و تور باقی است.

کلمین گوید وقتی اینجا بوده، در ساری هفت برج دیده، نام‌های آنها: فریدون، ایرج، سلم، تور، ساحل، گشتاب، لهراسب.

گویند علامت قبر سلم و تور منارسان و مدور بود. [و راه آن مسدود]. ۱۰۲۵۰ ارتفاع داشت و حسام‌الدوله حکمران دیلمان در ۵۰۰ آنجا مدفون شد، این منارها به پایه [ای] استوار بوده‌اند که محمد شاه آنچه خواست با توب منهدم سازد نتوانست. بالجمله افسانه‌ها از گنج و غیره درباره آنها گویند.

گویند در ایام سلم و تور دو چاه در آن شهر بوده، از آنها بادهای سخت وزیدی چون آن مناره ویران شد آن باد فرو نشست.

۱۰۴- متن: دان

۱۰۵- ضریب ۲۵۰ مشخص نیست

در غربی ساری دو گورستان [است] خرم‌شاه و غازی‌رستم. هم در آنجا پیروی است اسدح‌نام. گنبد آن در میان جنگستان و گویند از اولیای خراسان بوده، مثنی گندم از دهقانی گرفته، پاشید در حال سبز شد و بار داد. دهقان وی را جادو [گر] دانسته، کشت. آنجائیز گویند گنجی است. قبر خاتون و شاطر کنیه نیز آنجاست. مسجد جامع ساری معبد موبدان گبران بود، بنای آن گویند از عمرو بن علا یا یحیی بن یحیی است در ۱۲۵=۷۴۲. و مرمت آن از مازیار بن قارن. عمارت محمد شاه که یکی از عمارات با شکوه و مشهور بوده در عهد محمدقلی میرزا سوخته، در و دیوار آن باقی است. و دیوانخانه است. طاقچه‌های آن مرمری مصور به صورت‌های پاکیزه که یکی صورت رزم شاه اسمعیل با نیکچرمان است و سرسره<sup>۱۰۶</sup> آنها [را] با دست خود در حضور شاه سلیمان جدا نموده و دیگری صورت نادرشاه و سه زن فرنگی. از کلاه فرنگی آن به جز بنای آجرین، چیزی برجای نه.

عمارتی است نزدیک شهر با حوضخانه، محمدقلی میرزای حاکم ساخته و آب‌انباری شاه‌عباسی دارد.

شهر ساری محدود است به دیوارهای سنگین و بلند، در غربی آن<sup>۱۰۷</sup> خندق عمیق. گویند قلعه آن<sup>۱۰۸</sup> را محمد شاه در ۱۱۹۳ ساخت. دروازه‌های آن نام بردار است به نام جائی که بدانجا روند. و چهار است: ۱- بارفروش ۲- فرح‌آباد ۳- استرآباد ۴- نقاره‌خانه. محلات ساری:

- ۱- سبزی میدان (محمد شاه قریب به سیصد و پنجاه خانوار اصالت<sup>۱۰۹</sup> و بلوچ و کرد در آنجا جای داده) ۲- بلوچی‌خل ۳- اسپهان محله ۴- افغان محله (سی خانوار افغان دارد) ۵- چاله‌باک ۶- شپش‌کشان ۷- باغ کهنه ۸- قلیچ لومحله (که سی خانوارتر کمان

۱۰۶- بزرگ، سرکرده

۱۰۸، ۱۰۷- متن: او

۱۰۹- متن: اسانلو

قلیچی دارد) ۹- میر سر روزه ۱۰- ملا مجدالدین ۱۱- میره شهدی  
محلہ ۱۲- پرامتر ۱۳- درمسجد ۱۴- پای چنار ۱۵- شیشه گرمحلہ  
۱۶- نعلبندان ۱۷- بهارآباد ۱۸- شاهزادہ حسین ۱۹- امامزادہ  
عبدالہ ۲۰- امامزادہ یحیی.

کاروانسرا، ۴، دکاکین ۴۱۰، مشاہیر مساجد: مسجد جامع،  
حاجی مصطفیخان- حاجی رضاخان- حاج درویش علی.

مدارس: مادرشاهزادہ- سلیمانخان.

۱۴ تکیہ، ۶ حمام، ۱۷۰۰ خانوار ۸۰۰۰ نفر، مالیات ۱۲۰۰ تومان.  
سوارہ و پیادہ ہنگام جنگ ۵۰۰ نفر. آنچه بہ بلوک قاجار وابستہ است:  
کل چین، اہردشت، پل کردن، دیزا، سنگ تراش، پهنہ کالا، شیکتا،  
نقارچی محلہ مقلدان آنجا اند کہ بانیلی گویند. آزاد کالا (امامزادہ  
عباس آنجاست، آب انباری شاہ عباس دارد و چمنزار است). زغال-  
چال (آستانہ ایست) سمین کنارہ ایضا، شیخ محلہ، علوی کالا، بادیلہ  
(کہ ۱۰۱ خانوار دارد). سورک، مہام، جمعہ خانہ، زرین آباد (صاحب  
زرین آباد را صدہزار گوسفند است) در ایام جنگ سیصد نفر قرآ-  
چو خا تفنگچی باید بدهد.

دہات شمالی ساری:

دیمتوران، حمیدآباد، (از کردہای جان بیگلو دارد) الو کنارہ،  
علیادک، اسفندیں، ادمال، اقخن، اوخن، دوغانلی، فیروز کنارہ،  
خاجیرخل، سید محلہ، خارمیان، نودیک (قزلی طایفہ کرایلی  
آنجاست) محمد شاہ از کنارہ گرگان و کاپوش آورده، پنبہ چولہ،  
پنبہ زارکتی، بالاکن، خارینک، اسبداش، زرین کلام لاریم (اہالی  
انجا دہاقین و گلہ بان، مالیات ۱۰۵ تومان از آقا محمد حسین مجتہد  
است) قاوی کالا بلوک فرح آباد (کنارہ دریا در دہنہ تیجن است)  
پس از اشرف پایتخت بودہ، عمارتی شاہ عباس، جہان نما نام دارد،  
در ۱۰۳۷ = ۱۶۲۸ پس از ۴۰ سال پادشاہی اینجا وفات یافت.

در آن وقت فرح آباد بندر بودہ کشتی از رود تیجن بہ آنجا می آمد،  
اکنون مشہور بہ صید ماہی است. اجارہ شیل ۵۰۰ تومان. گاہی  
تراکمہ با طرادہ های بارکشی خود را بہ فرح آباد رسانند. و ہنگام  
فرصت اسرا برند. اگرچہ چندی پیش برجی ساختہ و سی نفر قراول  
نہادند، ولی سودی نبخشیدہ، کس انجا یافت نمی شود. ۱۰۰ خانوار  
است اہالی دہاقین، ابریشم انجا ۴۰ من، بجز مالیات صیادی ماہی  
۱۰۰ تومان دیگر نیز مالیات دارند. تا قراتپہ ۶ فرسخ است. از  
قلعہ های فرح آباد بجز تل اثری نیست. عمارات شاہی و دیگر عمارات  
فرح آباد را در ۱۶۶۱ استنک رزینہ<sup>۱۱</sup> ویران کرد. گویند با شش  
فروند کشتی بہ عزم بازرگانی ظروف چینی بہ فرح آباد آمد و برای  
جلب قلوب بہ ارزانی چیزها فروخت تا آنکہ جمعہ بر او گرد آمدند.  
شبہ ۴۰۰ نفر کہ در کشتی پنهان داشت بہ کنار آورده، بہ فرح آباد  
ہجوم برد. اکثری آنها را بقتل رسانید، عمارات بسوخت و اسرا را  
برداشتہ بہ میان قلعہ برد. مورخین روس گویند چون استنک رزینہ  
فرح آباد را بسوخت بہ جزیرہ رفتہ شہری چوبین بنا نہاد. و گرد آن  
خندق ساخت. پس از آن اسرا [ی مسلمان را] یک نفر بہ چہار نفر  
عیسوی تبدیل می نمود. و چنان دانستہ می شود کہ این جزیرہ همان  
آشورادہ است. این جزیرہ از قدیم سکنا نداشتہ، ولی ایرانیان گویند  
کہرک خانہ بودہ و دہ یک می گرفتہ اند. از آنجہت آشورادہ گویند.  
و این افسانہ است چہ حاجی میرزا اقا سی نام عربی بدان نہاد کہ  
جزو ایران نماید. و خندق کندن استنک رزینہ نیز محال است. چہ  
آنجا خاک نیست، ظاہران است کہ جایگاہ استنک رزینہ میان قلعہ  
است.

دہات بلوک نیکاح:

نیکاح (باپل نیکاح ۷۰ خانوار) شیطان محلہ، حاجی محلہ  
شیرخان- کلاچال سر، کلیرت خان باباخان، چمن دہات بلوک شرگا،

۱۱۱- این اسم در کتاب «دارالمرز گیلان» بہ صورت استانکوزارین آمدہ است.



شیرگاه، آهنگر کلا و بولادکلا، ارسنجان، بواخیر، چاه سر، ایوک، منکال، موسی کلا، راهدارخانه، خلیج (طایفه [ای] به همین نام دارد اهالی زارع و عسل‌گیر و برنج‌کار و ابریشم‌گیرند. مالیات ۱۵۰۰ تومان).

#### دهات:

علی‌آباد سیدقاسم، سرخ کلا، کردخل، کیل کلا، مفروشجک، رستم‌دار محله، شاهزاده حسین، جعفرآباد، زیدخل، آبدنک‌سر.

#### دهات شرقی ساری:

گل‌افشان، زردجان، مشق کلا، اسفندین، ازارک، تیر کلا، آزدن فوتن، اسپورد، شوراب.

ولایت ساری یکی از نجای‌های پاکیزه مازندران است و در آنجا نیشکر و شلتوک و پنبه و ابریشم و دیگر چیزها کارند. در کوهستان گله‌بانان و عسل‌گیران پشمینه‌ها نیز سازند. چون دو فرسخ از ساری گذرند به تولم رسند و تا تالار دو فرسخ است. و چون از رودخانه گذرد دبه سید محله است از آنجا به امامزاده سلطان محمد طاهر روند و دو فرسخ است. مسافت میان ساری و بارفروش جنگلستانی است مسطح، ۷ فرسخ تا استرآباد ۱۰ یا ۱۱ فرسخ.

#### [ولایت بارفروش]

ولایت بارفروش، در تاریخ طبرستان قدیم این شهر را مامطیر گفته‌اند. پس از آن بارفروش ده شده. اکنون شهر بارفروش است، بنای آن را به ۵۰۶ (ه) = ۱۱۱۲ نسبت دهند. موافق به نام کلاج مسجد مشهد که ماده تاریخ آن است. در زمینی مسطح و آب‌آکنده و بیشه‌زار است. از کنار دریا ۸ ورست. از شرقی آن آق‌رود و از غربی بابل رود می‌گذرد. که در تواریخ بسیار مذکور است. ابتدای آن از سوادکوه آبش آرام است. در بارفروش آثاری کهنه نیست جز باغ شاه عباس که همچون جزیره بوده، بحرالارم نام. در طرف

شمالی آن مردابی، عمارات آن راه محمدقلی میرزا خراب ساخته، از آلات آن جائی دیگر ساخته که اکنون پدیدار نیست. اکنون در این باغ چهار اطاق بزرگ و چند اطاق کوچک است. عمارت اندرونی آن کمتر خراب است، حمامی نیم ویرانه و مارزار دارد. چه ستونها که برای آب‌انبارها آورده بوده‌اند و اکنون در هر گوشه پراکنده افتاده است. و نیز شاید جزو عمارات مخروبه باشند. این جایگاه هم طولاً و هم عرضاً ۲۲۰ قدم. مرداب آن نی‌زار شده و نخجیرگاه بارفروشان است.

چون از شهر گذرند به باغی دراز رسند که در پهلوی آن پلی است ۴۶ ستون دارد. سنگی و بزرگ. طول ۱۸۰ قدم که با آن عمارات ساخته شده اکنون ویرانه است. یک نفر به احتیاط از آن گذرد. در اثنای راه باغ شاه، تپداست. در آنجا دو گری مدفون است که در ایام محمد شاه بوده و آنجا رادزد کچل گویند.

۱۲ سال پیش ازین سبز میدان بارفروش جایگاه بایبان بوده که مدتی ایران را در شورش داشتند.<sup>۱۱۳</sup> گویند تاجری محمد صالح‌نام را پسری محمد علی نام کچل لقب بود، در جوانی به عربستان رفته فنون عربیه و ادبیه آموخت. از آنجای به شیراز شده آغاز شریعتی مستحذثه نمود. خود را پیمبر نامید. و منسوب به مهدی قائم اسلام داشت. و خویشان را صاحب‌دین می‌دانست. از همه علما کناره کرد و حکم به حرمت قلیان و کشمش‌پختن و سیر و پیاز نمود. هم در آن زمان دختر پیشوای قزوین طاهره قره‌العین به حلقه مریدان وی درآمد. بنابر رای طاهره زنان در حرکات خود آزاد و در گرفتن چند شوهر مختارند. گفتی در نماز رو به قبله بودن را لزومی نبود. فاینما تولوا قسم وجه‌الطاهره، دوستی خود را باعث آزادی از آتش دوزخ می‌گفت. باری بایبان به بغداد رفته نجیب پاشا از ترس شورش

۱۱۳ - در باب فرقه بابیه کتاب و مقالات زیادی در دست است. برای شناخت زمینه فکری و اجتماعی و... نگاه کنید به کتاب امیرکبیر و ایران نوشته فریدون آدمیت.

یمنناک گردیده، راند. هم در این حال در اصفهان نیز روزافزونی داشتند. رفته رفته به مشهد سرایت کرد در آنجا با ملاحسین تاجر بارفروش بشرویه یار شده، به مکه رفته، بد بارفروش برگشتند. پیشوای آنجا سعیدالعلما خواست ازین معنی پژوهشی نماید، حاجی محمد علی را با سادات و ملایان شهر به مههانی خواست و در خوردنی کشمش پخته کرد. حاجی معزی الیه غذا ناخورده بجای دست شوئی غسلی کامل نمود، سعیدالعلما را این معنی ناگوار آمد. بد زندان آنان فرمان داد، رفته پس از چهار ماه به پایکلاه برگشتند. از آنجا نیز رانده گردیده در سبزمیدان، در کاروانسرائی به کرایه نشستند. و قریب پانصد نفر بدیشان پیوست. مردم را راندن آنها ممکن نبود. روزی طفلکی به کاروانسرا درون آمده، خاری به زیر دم اسبی نهاد، خار خلیدن گرفت و اسب جهیدن، و فرار کرد. بالاخره اسب به میان میدان آمد، کجا که آن دو گروه گرد بودند. این معنی موجب شورش شد. بایان ۷ نفر [را] کشته، مهدیقلی میرزا به اولیای دولت نوشت. سردار عباسقلی خان با ۸۰۰ نفر تفنگچی لاهیجی بد نشانیدن فتنه مامور شد. بایان به مزار شیخ طبرسی گریخته، خود را آماده و اطراف خود را استوار داشتند. و با پیوستگان، قریب هزار نفر شدند. سردار با سپاه نزدیکی آنجا فرود آمد. شبی تاختن کردند. و شبیخون آوردند. سردار گریخته به مهدیقلی میرزا پیوست. با او بایان را محاصره نمود. پس از آن که ساز و برگ آنها به انجام رسید دونفر حاجی به دست آمده لشکر بان ایشان را به خواربهای کشتند. و آنان را به رسوائی تمام به سبزمیدان بارفروش آوردند. گویند حاجی محمد علی در هنگام شهادت گفتی پس از چهل روز زنده خواهم شد. و افسوس که در کوفه در دست دلاک کشته نشدم. ملا حسین را نیز در نزدیکی مسجد تیرباران کردند. طاهره قره‌العین به هر نوع بود گریخته، وی را به طهران کشانیدند، و در خانه محمد خان کلانتر اوقات شریف می‌گذرانید. تا آنکه از سیئات اعمال بایان که به پادشاه ایران تیر انداختند، وی را نیز بقتل رسانیدند.

### محلات بارفروش:

محلّه سبزمیدان، خیابان خرم، رود کرمحلّه، سیدجلال، چار-شنبه پیش، قصاب کلا، بیسترتکیه، اجاق‌بند، دارالشهدا، مرادیبک، زرگر محلّه، قادریه محلّه، هفت‌تن، آق‌رود، آهنگر کلا، نقیب‌کلا، پنجشنبه بازار، ازارینه، شاه زنگی، گلشان، طوقداربند، بیاکلا، درویش‌خل، ده‌باغ پیش، درویش تاج‌الدین، گورسر، سرحمام آقا حسن، سید ذوالعبدین، حصیرفروشان، قراکلا، اسب‌تکه، چوب‌باغ، باغ‌باده محلّه، میان‌قطع، بیداباد، میان‌داسه، قبزستان محمد، شمیرگر محلّه، شاه‌کلا، هشتگاه کلا، کلاچ‌مشهد، یهودی محلّه (۵۰ خانوار یهودی دارد معبدی و کتابخانه دارند، هر ساله صد تومان به عنوان جزیه دهند، کار ایشان شیرکچی‌گری است) پنج‌تاجی، رزیاکلا، استانه، شعرباف محلّه، باب‌نظر، محلّه میرزا کوچک، قاضی‌کتی، درزی‌کتی، تکیه‌ارباب، ابومحلّه. مساجد ۱۲، امام‌زاده ۶، مدرسه ۲۰. کوچها سنگین نیست، ولی گلزار نشود. بجز خانه عباسقلی، ارباب بارفروش، خانه درستی نبود. خانوار ۶۰۰۰، نفوس ۵۰۰۰۰، مالیات ۲۲۰۰ تومان. کاروانسرا ۱۱ دکاکین ۴۱۴. در آخر بازار کاروانسرائی است که کمپانی روس انجاست و هر ساله ۳۰۰ نفر باد کوبه‌ای یا دیگران آهن و مس و سماور و چینی آورده می‌فروشند. قنادخانه [ای] دارد که هشت سال پیش کارخانه [ای را] با استادی آوردند. موجب استاد را ندادند بازگشت. اینک خود قندی بسیارید می‌ریزند. گویند از ده من نیشکر پنج من قند توان ساخت؛ ولی دروغ است، چه از بیست من به دشواری توان. ضرابخانه‌ایست که از دیوان اجازه است. حالتی غریب و بس عجیب دارد. شخصی را نشسته بینی و گویند استاد است. گاوی و مرغی چند در کارخانه بسته دارد. هم در آن حال که مقتول سیمین یا زرین در آتش است به آذوقه و چینه‌دادن گاووان و مرغان مشغول است. دیگری بی‌آنکه نگاه کند سکه می‌زند. بهر شکل و وضع که بیرون آید، چپ، راست، شکسته، درست، گرد، دراز، دو نفر دیگر پاسبان اویند که ندزدند. و

دو دستی دیگر است بی صاحب که صاحب آنان پیدا نیست، صیقلچی هستند. هر کس در هر وقت خواهد آید اگر زر و سیمی داشته باشد سکه زند.

### دهات بلوک پیشه‌سر:

سلطان محمد طاهر: در آنجا امام موسی نامی در ۸۷۵=۱۴۷۰ مدفون شده، پیشه‌سر، کالی‌خانه، رامنت، حیدر کلا، اغوزبند، ولیکدون، شنکریچ، لنگور، آرزبند، چهارده، چماز کلا، بیجی ناجی، بیجی کلا، سیب‌باغ، شب‌دین کلا، اوشیب، رودگر محله، بنار کلا، قاضی کتی، درزی کتی، بهن میر.

### دهات جنوبی شهر:

نصیر آباد، غلوکنده، سر بابل، گلمین، هاتکه پوش، تقیب کلا، موزیرج، دیودشت، منصور کناره.

### دهات غربی شهر:

مرزکرون، کهانگر کلا، سیاه کلامحله، روشن آباد، پائین گنجروز، بالا گنجروز، معلم کلا، اسیری کلا، بالاده.

### دهات بلوک مشهدسر:

مشهدسر در غربی بابلرود است، ۲۳۰ خانوار است. و مشهدسر گفتندی امامزاده [ای] داشت، که سید شمس‌الدین بایبکانی بنام ابراهیم ابوجواب ابن امام موسی ساخت. گویند چون ابراهیم به قبر پیغمبر سلام دادی پاسخ شنیدی. در شرقی آنجا بقعه بی‌بی سکینه در ۸۹۳ = ۱۴۸۸ [بنا گردیده]. کناره مشهدسر گاهی موج گیر است. قلعه در روی تپه داشته استنک رزینه [آنرا] ویران ساخته. گمرگ خانه مشهدسر در ۲۵۰ قدمی رودخانه بابل است. باشیل ۱۲ هزار تومان اجاره داده می‌شود. این بلوک به دو قسم است.

### مشهدسر اول:

بازار محله، کاله، صفی‌محله، باغ‌تنگه، کاظم آباد، سادات محله، یوری بول، رودبست (تربتی حسن نام دار ۱۰۰ خانوار است، این دهات از اوست) کیا محله، گوزن محله، گل‌بست

### مشهد سر دویم:

فری کنار سالی پنجاه تومان صید ماهی می‌شود نزدیکی آنجا چمن‌زاریست. پس از چهل روز از عید خمه بازار است. مسیر رود، صید ماهی آن ۹۰ تومان. مهر کلا، احمد کلا، کلامرز، گاومیش‌بند، چوب‌باغ، پازوار اگر چه اینجا به مشهد سر متعلق است نامش در تاریخ طبرستان نیز ذکر شده. وقتی پای تخت اولاد میر بزرگ قوام‌الدین بوده، امیر پازواری شاعر مشهور از اینجا است. این دهات به پازوار متعلق است. امیر بازار، که هر سه شنبه بازار است. حمزه کلا، نهدنیکومالند، ارمیجی کلا، درز کلا، فوکلا، کردکلا، سرحمام، چبان کلا، کسکر محله، امیر کلا، در پازوار و امیر کلا اکثری مشغولند بد داد و ستد با اتزلی با این اشیاء:

کر باس	۲۰۰۰ توپ
جاجیم	۱۰۰۰ خروار
پنبه	۵۰ خروار
باقلا	۵۰ خروار
ماکو	۱۰ خروار
مس	۲۵۰ خروار
موم	۱۰ خروار
قیسی خشک	۲۰ خروار
سبوس	۱۰۰۰ خروار
روغن کره	۳۰۰ خروار
صابون <sup>۱۱۴</sup> استرآبادی	۵۰ خروار

قلیان کدو و غیره نیز داد و ستد شود.

دهات راه بارفروش تا مشهد سر:

امیر کلا - کلابست بابل پشت، تربتی شاهدان چهل نام دارد. از فرح آباد تا مشهدسر ۷ فرسخ است.

### دهات بلوگ بابل کنار:

کارت کلا، جفت تپه، کبریا کلا، درون کلا، مرز کلا، سیاه درگاه، کلار کلا، در مزار کلا، کوران یا هوران تلار، سده کلا، کونیا کلا، شیردار کلا.

اهالی دهاقین، گله بان و عسل و ابریشم ساز، مالیات ۱۰۰۰ تومان.

### دهات بندپی

بزارویی، سید میر کرام (تربت است)، کلارپی، فکی چال، بوزودی، خوشرودی، سلاح دار کلا، شانه تراش، قراکنار گوشتی پی، بام تو، آهنگر کلایدار پادشامیر (تربت است) مرزبال، ولی کلا صورت، زوارده، امامزاده عباس.

### دهات متعلق به بندپی:

نشل، تمتمه کلا، شیخ موسی [و] کیود کلا (تربت است)

### دهات بلوگ مشاطه کنجروز

مشکن دیروز، مرزتاک، ملامحمد، شهر آشوب (تربت است) بندر کلا (تربت است)، ابوالحسن کلا، اطاق سرا، مشهدسرا، (محمد شاه اینجا زائیده شده است.)<sup>۱۱۵</sup> بازارگاه، پائین کاتب، میان کاتب، بالا کاتب، چهار، (باید در اینجا گنجی باشد، چه کوزه یافتند در آنجا نوشته بود سه خم خسروی مال ازرق رومی)، جلودار محله، کوی کلا شب کلا.

### دهات لپور:

لنور، نفت چال، آزادگان، محله حاجی جعفر، دهون، شک سرا، میرقازی، لپورک، (اهالی اینجا شلتوک کار، ابریشم گیر و نیشکر کارند). مالیات ۵۰۰ تومان است.

### دهات بلوگ کیا کلا یا تلاری:

نچار کلا، ده یا دیوانه کلا، دالی کندا، سنگ تو، بچه چلوسر،

۱۱۵- مقصود محمد شاه قاجار است.

کیورچال، (ماهی کیور در اینجا زیاد صید می شود) کلاردشت، دوک، شاه زرد، درویش علم بازی، سدروز کلا، مهری، رستم، پائین رستم، عزیزک، سیدآباد، دیروزده، خلواوی کلا، رکن کلا.

### دهات بلوگ علی آباد:

علی آباد، در آنجا گردوجان بکلودماون کو [کذا]، ارده ده، منوتی کلا، آوندون سر، هجر محله، اسکندر کلا، کثیر کلا، خشک سر، چماز کلا، دزکس، سرخ کلا.

### دهات بلوگ بالاتیجن:

خاطر کلا، کاوان آهنگر، دادکاشت، کالی اشت، پاشو کلا، کیل خانی، فندری، مالک خل، ترس کلا، کردیرخاتی (درین دبه غارهای زیرزمینی است که به چاههای آنجا راه دارد باد نگذارد درون رفت و تاریک است و جانوران بسیار) کشکو، حاجی کلا، نمور کلا، کرک خل، ند کلا، اتکه پشت، شامی کلا، افرا، خرما کلا، عزیز کلا، شیخ طبرسی (در خلوط مقبره شیخ طبرسی وعده آشوب بزرگ داده بود که آشوب بایان باشد).

### دهات بلوگ سواد کوه:

ارجمان، اسب چشمه، سرخیر آباد، الشت، امامزاده حسن، متورست پی، شیر کلا، شیخ محله، کاسالون، شورمان، زیراب، چرات، ولی پی، شورکوه، امامزاده سفید، کورماز، (این دهات بیلاق و قیشلاق است گویند یک کرور گوسفند در کوهستان آنجاست. گرگ و پلنگ و ببر و خروس و روباه بسیار.) مالیات [آن] ۱۷۰۰ تومان.

### دهات جلال ازرق:

بارسنوم، راه کلا، تاجر دوست، روکان، ارجی، خشک رود، هادی کلا، شیرا، تالیرکان، تیچو کلا، ارد کلا، توکان، کلاریس، ترک محله، کارد کلا، اسب درد، اسب شورپی، خجیر کلا، ندهک، ستیجنگ.

### دهات لاله آباد:

مسخیر محله، زای کلا، ابن نوا، اسب کلا، متی کلا، چمازین، کرمیج کلا، خاصه بابل کان، بالا بازار، پائین بازار، مظفر کلا، لالک،

اماج لیبی، شمشیرزن، تاری محله، اسب کلاچی. مالیات ۷۱۷ تومان.  
دهات سازی کلم:

سازی کلم، سده محله، علی رودبار، نقارچی محله، درز کلا، علی چال، کردبای، رمکاج، آکشیج کلا، خراسان محله، دیوبند کلا، آقاملک.

#### دهات متعلق به بلوک دابو کچپ<sup>۱۱۶</sup>

فارش نارون کلا، افرائخت، مرجی محله، سیرجرون، احمد آباد، ارزامحله، باریک محله، ده تیره (غربی دابولیتته بابل است. دابو پایتخت یکی از بزرگان بوده تا زمان عمرو بن العلاء ظهیرالدین حکم کرد که شهر عمر کلاته را بنا نهاد).

در عرض راه بار فروش پلی محمد حسین خان ساخته پنج چشمه و نیکو پلی است. آب در آن اثر نکند. در زلزله ۴۰ سال قبل از این اندک عیبی در ستونهای آن بهم رسیده. در گز محله در روی خان رود نیز پلی است مشتمل به شش پل از آنجا راهی است که از بلوک سازی می گذرد. در طرف راست راه دیهی است کاظم سبک نام، چناری بسیار بزرگ دارد. از آنجا به هراز روند، که پلی ۱۲ چشمه ارد. بسیار بلند و دراز است. گویند امام حسن آن را<sup>۱۱۷</sup> ساخته، ولی اهالی آنجا گویند خدا ترس رغه آلف بازگان ساخت و نفرین نامه نوشت که ارباب مکت از آنجا نگذرنند، بلکه گذرگاه رعایا و بیچارگان باشد. از بارفروش تا آمل یک روز راه است.

#### [ولایت آمل]

ولایت آمل: آمل یکی از کهن شهرهای طبرستان است. در تواریخ ایران نیز نام آن برده و در قدیم پایتخت طبرستان بوده و در آنجا سپهبدان تازیان و سادات حسنی و حسینی فرمانروائی کرده اند. و خود قوام الدین در آنجا مدفون است. و خطبه گاه طبرستانیان بوده، علمای

۱۱۶- فرهنگ جغرافیایی این اسم را «کچپ» ضبط کرده است

۱۱۷- متن: او را

آن بسیار، و ابو جعفر محمد بن جریر طبری مشهور که در ۳۱۶<sup>۱۱۸</sup> نماند. چون اهالی آنجا بازرگانان بوده اند، چینی ها و جای نمازهای ممتاز به هر سو می برده اند. در بنای آن اختلاف است، به ضحاک و فریدون و طهمورث نسبت دهند. ولی مورخ طبری به فیروز نام پادشاهی نسبت داده گویند: دو برادر بودند [که] دو دیزه به نام خود ساختند. اشتاد رستاق و یزدان آباد. اشتادرا دختری بس وجیهه بود که چشم روزگار بدان نکوئی کم دیده، فیروز شاه که در بلخ فرمان روا بود آن دختر را در خواب دیده شیفته و گرفتار وی گردید. شکیب از دست داد. دیرگاهی به جستجوی وی برخاست، سودمند نیفتاد. ماجرا پیش مهر فیروز که یکی از خویشان وی بود گشود. مهر فیروز برای چاره به شتاب راه طبرستان پیش گرفت و به کوسان که بابلکانیان در آنجا بزرگی کردند فرود آمد، یکسال پژوهش نمود، نیافت، روزی گذاری به جنگستان کنار رود اهلم افتاد، در کنار جوی آن دختر را به جامه شوئی یافت. و شناخت. گفتگو کرده، به همراهی وی به خانه اش آمده، پس از سه روز آشکارا کرد که ترا به زنی خواهم کرد، دختر پذیرفت. مهر فیروز به پادشاه نوشت. پادشاه از این ماجرا بسیار خوشوقت گشته به جوالها جواهر و زرها به ارمغانی فرستاد. پس از رسیدن ارمغانی، مهر فیروز افسانه باز نمود که ترا برای پادشاه خود خواهم. و به بلخ برد. پس از چندی فیروز شاه را از دختر پرشی چند شد، که چرا دختران جایگاه شما را چشم بدین پایه سیاه و نیکو و لب بدینسان نازک و خوشبو و بدن بدینگونه نرم و لطیف است، دختر پاسخ داد که هر بامداد که از خواب سر بر آریم به گلها و ریاحین دیده گشائیم و گاهگاهی باد رنجبویه نوشیم و در تابستان کتان و در زمستان حریر پوشیم، این است چشمکان سیاه و جانسکار لبها خوشبو و خوش گفتار، بدن حریروار است، پادشاه را سخت خوش آمده گفت آنچه خواهی بگوی بجای آرم، دختر گفت خواهم در همان جایگاه که زائیده ام در کنار رود هراز شهری برپای

۱۱۸- فرهنگ معین هرگ طبری را سال ۳۱۰ آورده است

داری و داشت، بنام آمله. و معنی آن هرگز ترا مرگ در نباید. نخست شهر در بلندی بود. آب هراز بر دین بدان بشوار. فرمان داد که در پائین سازند. و اطراف آن را خندقی کردند به گودی ۳۲ ذرع و به پهنا تیر پرتابی. گرداگردش ۴۰۰ جریب. ظهیرالدین گوید من قبر آمله را دیدم، مازپار آمل را ویران ساخت. اینک از جایگاه آن آنچه کنند آجر بیرون آید.

آثار قدیمه باقیه مسجد میر بزرگ قوام‌الدین با گنبدی نیکو و حجره نشستگی، خود گویند زیر زمینی است که خزینه او بوده، خام طمعان آنجا گرد گردیده‌اند. شاه عباس به ادعای خویشتن مظاهرات آن مسجد را مرمتی کرد. گنبدش از زلزله ویران شد. گویند ۱۵ من ورق طلا از آنجا کردند. هم بقعه‌ایست منسوب به خضر. و آستانه امامزاده ابراهیم نام، که هفتاد نفر از مریدان وی در یک قبرند. بقاعی قدیم است مشهور به سه گنبد و حال آنکه ۵ عدد پدیدار است: ۱- کبود گنبد (از زلزله ویران و چار گوشه بوده) ۲- گنبد ناصرالحق که یکی از سادات حسینی است ۳- شمس‌الطبرسی (این گنبد دومرتبه بوده دویمین مرتبه‌اش از زلزله ویران شد. صندوقی از طلا در آن یافتند) ۴- گنبد سایه سه تن (یعنی روی سه تن، سه پسر قوام‌الدین در یک قبر مدفون، در وسط آن سنگی نافرآشیده بود. از خطوط کوفی آن برمی‌آمد که امام ابوالقاسم پسر المحاسن رویانی حکیم‌الهی در آنجا مدفون است) ۵- گنبد محمد آملی (تا به بنیاد ویران. همچنین از علامات قدیم مسجد امام حسن بنای او منسوب به هارون‌الرشید).

در میان شهر گنبدی است بنام ایرج بن فریدون. تا به اکنون چهار ذرع به گودی انداخته‌اند و به عمق نرسیده. شاه عباس در آمل عمارتی با باغی سروین ساخته بود.

#### دروازه‌های آمل

۱- طهران ۲- لاریجان ۳- بارفروش ۴- تلیک‌سر ۵- نور.

#### محلات آمل:

محلہ چاکس، محلہ تیجنجار مسجد (کلسادن آنجاست). پل پیور

(مسجد زوجه سید فضل‌الله آنجاست)، آسیاب‌سر، مسجد جامع ادونک‌سر، کیریلی‌خل، کاروانسرا محله، آب‌انبار محله، کلاکش، کورک، باغبان محله، خوشدوش، مهدی‌خل، اودشت محله، درویش‌خل، کاش‌جل.

اسامی کوچدها به نام محلات است بجز آنها هراز سر، سرحمام، چارسو، مسکربازار، عطار، بقال، نعل‌گران، کاظم‌بیگی، ساچمه‌پاژن. کاروانسرا ۴، خانوار ۱۱۰۰، تقریباً مردم ۱۰۰۰۰، مالیات ۸۰۰۰ تومان.

#### بلوک اهلیم‌رود:

هرازی، دابو، دشت‌سر، پائین لتیگو، بالالتیکو، آمل.

#### [کوه‌های آمل]

کوه‌های آمل نامیده می‌شوند به خوشواش، نشل، لایویج. از آمل تا طهران ۲۵ فرسخ راه از آمل تا اسک کوهستان و خراب. خیابان در کوه راست، از زلزله ویران شده - اسک یکی از ۷۲ دیه بلوک لاریجان است.

#### دهات شرقی هراز:

هارون کلا، بازار کلا، شیخ انداز، محمد آباد، (آستانه است)، سیاه رودسر، تفنگاه، سرخ رود (که مالیات صید ماهیش ۲۰ تومان و دیگر مالیاتش ۳۰۰ [تومان]) کتاب‌پوش، بیلک، شرم‌کتی، کهو کلا دیگردهات آمل:

اوسبی کلا - دزدنسر، درازدن، حاجی خضر، شرم کلا، آهنگر کلا، تمسک، مهدی‌خل، کلاکش، بجله، راه کلا، راش کلا، کنده کلا، اوج آباد، دشت‌سر، تخته‌بند، کلیک‌سر، تاتارسخ، تلیک‌سر، آمیرده، (در سه فرسخی در دامنه کوه سوله امیرپازواراست<sup>۱۱۹</sup>) گویند وی پسر دهقانی بوده در جوانی در پازوار به ارباب آنجا خدمت کردی به دختر ارباب خود گوهر نام علاقه رسانید و شعر گفتن آغاز نهاد پس

۱۱۹- برای اطلاع بیشتر از امیرپازواری نگاه کنید به مجله فروغ، سالیک شماره ۱۰ و ۹ (شهریور و مهر ماه ۱۳۰۷) ادبیات طبری ص ۲۵۵

از آن با گوهر به قره سنکر رفته، آنجا جوانی عاشق گوهر گردید. آنچه تدبیر کرد سودمند نیفتاد درد دل به پیرزنی گفت پیر زن روزی که امیر به شکار بود به گوهر گفت امیر را کشتند گوهر خود را هلاک ساخت، امر نیز. گویا علامت قبر آنان هنوز هم پایدار است.

### بلوک شمالی آمل:

نور، کجور، کلارستاق، تنکابن.

بلوک نور در کنار اهلرود است. تاسوله ده<sup>۱۲۰</sup> بیلاق و قیشلاق.

### قیشلاقات:

شهر کلاو عباسو، کندباب و سیل با کتی، سد کلاوارز رود، عبدالله آباد ولی مست، عرب خل و گردن کلا، ناطق کلا و رستم رود، نادبیج و ایزده، لش کنار و سواره.

### بیلاقات:

گپ لاویج، رانکوه، مسن، پل، انکرود، کجور، لزور، پسپرس، کالج.

دهات کنار دریا که از شرقی به غربی است:

اهلم (آستانه است)، ایزن (اکثر رعایا سادات و ملا)، هاشم رود، رستم رود، سوله. (که از مستحدثات میرزا آقاخان است مالیات ۲۰۰۰ تومان حاصل ابریشم ۴۰ تن)، چوماسان، در بلوک نور معادنی چند است از آهن و سرب و مس در کوه چوماسان منافع سری آن که به طهران می آید ۲۰۰۰ تومان. مالیات این بلوک ۱۶۰۰۰ تومان است).

### بلوک کجور:

دهات آن اینچرستاق، زاندرستاق، کوه بهر، لشک، شهر کجور، انکاز، فیروز کلاگران، خیرود کنار، چلندر، نارنج بند، کج رستاق.

در کنار دریا این رودها و دیهات است:

کچرود، علوی کلا، نمک آبرودسر، صلاح<sup>۱۲۱</sup> الدین کلا (عبدالملکیان

۱۲۰- در متن «سوله» و «سوله» هر دو آمده است

۱۲۱- متن: سلاح الدین

آنجا بسیارند)، سرین کلا، علی آباد، چلندر (در دامنه کوه دیوسپند است، گویند در قدیم آنجا دیوان بوده اند. آنجا غاری است گراگرد نرخت شمشاد) برددک رود، بندپی، خیر رود، امیر رود، علی آباد بزرگ، چشمه رود، کرگردسر (اجاره رودخانه آن ۵۰ تومان).

### [چالوس]

چالوس در تاریخ طبرستان مشهور به جایگاه سادات، سید ظهیر.

الدین و پسر او آنجا مدفون [است]

### بلوک کجور

بیشتر خواجehوند و شرفوند و عبدالملکی است که از شیراز و کردستان کوچانیده اند.

### بلوک کلارستاق:

دهات آن: دشت کلارستاق، کلارستاق بیرون، بستم کوهستان، کلاردشت در این بلوک صدیه است و هزار تومان مالیات، کوه آنجا به شاه اهلرود مشهور است.

دهات کنار دریا از شرقی به غربی لپاوک اورنگ، سرداب رود، نودیک، امام رود، آچرود، نورودسر (پیغمبر دانیال انجامد فون است)، نمک ابرود.

در بلوک کلارستاق بیشتر خواجehوندیاند. مالیات ایشان ۶۰۰۰ تومان.

درمازندران و بلوک آن این مردمانند:

خواجehوندان	۴۵۴ نفر
عبدالملکی	۲۰۰ نفر
عمرانلو	۱۰۰ نفر
لاریجانی	۱۶۴ نفر
تالش	۸۰ نفر
افغان	۲۵۰ نفر
قلیجی	۳۰ نفر

کردهای جان بیکلودماونلو ۵۰ نفر  
عثمانلوی کرایلی و بلوچی و اصائلوی ۵۰۰ نفر  
[بلوک تنکابن]

بلوک تنکابن محدود است به گیلان با رود سرخانی.  
دهات آن:

سیاه رستاق، کولیان حاکم نشین، میانابه، مرزدشت، خرم آباد،  
سیاه درز بابلده، مینشتا، زوار، لنگا جور بند، جیر بند لنگا، کلار آباد،  
اشکورات.

دهات شرقی و غربی دریا:

پلنگرود، اسپرود، طیلرود سر، جمشید آباد، اسبچین نزدیک  
آنجا مناره ایست به نام عثمان پاشا که ۲۰۰ سال پیش ویران شده و  
سنگ های آن ۱۲۲ را برای ساختن عباس آباد برده اند.

اسامی کوه های آنجا:

کورما - داکو - سدهزار - دوهزار - تازه آباد، مینشتا، آزارود،  
(اجاره شیل آن ۳۰ تومان). زوار کلا، تیر برده سر (اجاره شیل آن ۶  
تومان) تیرود، چشمه کلا، خرم آباد نام کوه آن ۱۳۳ مران، خوبان زرکندر،  
دوهزارا، آسیارود، شی رود، طیروم، چالکروم (اجاره شیل آن ۲۰  
تومان).

دهات بلوک سخت سر که به تنکابن وابسته است:

شورابسر، سادات محله، نمک آبرود، گرم رود، آب گرم،  
(آنجا آب گرم و شور است با آستانه)، سخت سر، نارنج بن، کنه سر،  
زکین محله، آخونده محله، کرکت محله، شک دره (با تربتی)، ترک رود،  
دریا پشته.

دهات سخت سر:

رملک، چورسر، تالش محله، اسکناکو، ترسانان، ملتر، فوتوک  
از تنکابن گندم برنج به گیلان و قزوین و روسیه برند. ابریشم آن ۱۳۳

پاکیزه، اجاره رودهای آن ۵۶۰ [تومان]، مالیات تنکابن و کلارستان  
و کجور ۶۰۰۰ تومان. مالیات همه مازندران ۱۱۵۰۰۰ تومان.

منزل تنکابن به طهران:

۱- ماران، ۲- الهوت، ۳- طالقان، ۴- کردان ۵- طهران.  
در زمستان راه دشوار است:

سرحد مازندران با گیلان:

رود سرخانی یا سفید همیشه است که در تاریخ طبرستان نیز نام  
برده شده. ظهیرالدین گوید که فریدون اواخر زندگانی در سفید همیشه  
بسر بردی این شعر از اوست.

بیت:

ز آمل گذر سوی همیشه کرد نشست اندر آن بیشه اندیشه کرد  
در مازندران درختان بارور و غیر باور از هر گونه بسیار. و  
گیاهها و سبزیها از هر قسم فراوان. مرغان آبی و خاکی از هر  
نوع از حد حصر افزون. و جانوران درنده از شماره بیرون است. که  
احصای آنها دشوار است.



### ولایت گیلان:

[ولایت گیلان] مشتمل است بر جنوبی و غربی دریای خزر از شرقی سرحد مازندران تا گمرکخانه آستارای روس. ورود آستارا سرحد است و در جنوبی این رود کوههای تالش که همانا رشته از کوههای قفقازستان است. چون میل به جانب جنوب و غرب نمایند آغاز کوههای البرز است. در جانب شرقی آن کوه درفک است. در دیگر طرف این کوه در جنوبی گیلان اردبیل و قزوین است. دریای خزر و دریاچه انزلی در غربی و شرقی گیلان است. انزلی عرضاً ۴۰ و ورست از دریا و از بغاز دیده نمی شود. طول گیلان از شرقی تا غربی از ۳۰ تا ۴۰ فرسخ زمینی که در این ولایت مسطح و آب آباکنده است همان جایگاه است که به گیلان نام بردار است. هم این ولایت جنگلستان و توتزار است که به هر دیه و شهری چندانکه برنیابند نبینند.

**بلوگ و محلات و حاکم نشینهای گیلان ازین قرار است:**

#### – ولایت لاهیجان:

مجاور است با مازندران یا تنکابن و سختسر در شرقی آن رود سفید همیشه در غربی سفیدرود، سیمرود، و لاله رود نیز آنجاست. شهر لاهیجان دو ورستی کوهها است.

#### – بلوگ ننگرود:

در شرقی لاهیجان است با رودخانههای شلمان و رودسر

— محال رودسر:

از شرقی و شمالی لنگرود است تا شرقی پل رود.

— بلوگ رانکوه:

در شرقی رودسر است.

اسامی کوههای لاهیجان و لنگرود:

لیلاکوه، شاه‌نشین، دیوشل، سامام، مارکوه، وهکذا

— بلوگ لشت نشاء:

در دامنه کوه است و گاهی از گیلان خارج.

— ولایت رشت:

در شرقی آن سفید رود است و در غربی رود پس‌خان<sup>۱۲۴</sup> در وسط‌سیاه رودبار شهر رشت در کنار این رود است.

متعلقات رشت:

محال تولم— گیل‌گسکر— در کنار بچیره و میان [کذا] و پس‌خان و پیش‌رودبار و رود لولمان یا کسما و چالسرا در اینجا به مرداب می‌پیوندد.

فومن:

در جنوبی و غربی آن<sup>۱۲۵</sup> رشت است. و در شرقی رود پس‌خان. و در غربی ماسوله<sup>۱۲۶</sup> است.

شفت:

در جنوبی رشت و کوهدم و رود پس‌خان است.

محال کوهدم:

در شرقی شفت و رود جهنم‌دره و سفیدرود است. از جنوبی او سیاه رود می‌گذرد.

رودبار:

در جنوبی شفت و کوهدم است و در غربی سفیدرود، و در نزدیکی این رود، رودبار است. در جنوبی آن رود قزل‌اوزن گذشته

۱۲۴— در متن پسیخان نیز آمده است

۱۲۵— متن: او

۱۲۶— متن: ماسوله



دماغه بزرگ کله پل پشیر در ارواسان فومن.

به سفید رود پیوند.

— بلوک رحمت آباد:

در جنوبی آن منجیل، در کنار شاهرود است. و در شرقی کوه درفک.

— شاندرمین:

در شمالی و غربی رشت [واقع است و] رود چالسر و چاپچارا از آنجا می‌گذرد.

— تالش دولاب و گیل دولاب:

در شرقی و غربی آن چاپچارا و دیناچال به مرداب پیوندند.

— اسالم:

محدود است از رود دیناچال تا گلرود.

— گرگان رود:

غربی آن آستارا است.

— انزلی:

مشهور است.

ولایت لاهیجان

[لاهیجان] در قدیم پایتخت گیلان بوده و به بیه پیش<sup>۱۲۷</sup> مشهور. پادشاه و خوانین و ذریه سادات کارکیا آنجا فرمان روا. نهایت مملکت آنها سفیدرود. آنسوی سفیدرود را بیه پس گفتندی، پایتخت آن<sup>۱۲۸</sup> فومن. از ۶۶۰ تا ۷۵۹ دابویه آنجا حکمران. پس از آن در ۸۷۵=۱۴۷۰ سلطان علاءالدین دیباج. و در روزگار او در بیه پیش سلطان محمد کارکیا، که در اواخر روزگار او مورخ مشهور ظهیرالدین در خدمت او تاریخ طبری را بنام پسر او کارکیا میرزا علی نوشت. کارکیا میرزا علی پس از وفات پدر در بیه پیش فرمانروائی کرد. و در [سال]

۱۵۰۳=۹۰۹ ناچار پادشاهی به برادر خود سلطان حسین نهاد. و پس از چندی در ۱۵۰۵=۹۱۱ در شورش لاهیجان در ۶۴ سالگی در رانکوه با برادر خود سلطان حسین کشته شد.

در زمان شاه عباس در لاهیجان یکی از اولاد پادشاهان ایران، غریب شاه نام که در لشت نشاء زائیده بود، فرمان روا بود. پس از گذشتن شاه عباس تمامی گیلان را به تصرف در آورد. پس از آن با خاری تمام گرفتار شده در قزوین به بدترین حالتی کشته کردند<sup>۱۲۹</sup>.

شاه صفی فرمان داد که غریب شاه در زمین نرم گیلان راه رفته، اکنون قزوین سنگلاخ است و به بیچاره بد خواهد گذشتن وی را نعل بایست کردن تا به پایهای آسیبی و گزندی نرسد. غریب شاه سه روز نعل بسته زیست پس از سه روز [ش] در میان میدان به دار آویختند. نخستین کس که تیر بروی گشود شاه صفی بود. پس از آن از هر سوی تیرباران نمودند.

لاهیجان بارها از تاخت و تاز انبارلوا و بران شد. در هنگام گرفتن روسیه رشت را، لاهیجان استوار؛ گرداگرد آن به خندق انباشته بود. هوایش به جهت بلندی زمین آن، از دیگر جای‌های گیلان خوشتر و خشک تر، بادهای آنجا گذار است. مسافت ولایات از سفیدتمیشه:

تالاهیجان	۹ فرسخ
تا رشت	۷ فرسخ
تا بارفروش	۲۴ فرسخ
تا سازی	۴۹ فرسخ
تا اشرف	۵۷ فرسخ
تا استرآباد	۷۴ فرسخ

### محلات لاهیجان

۱۲۹- برای اطلاع بیشتر از این قیام به تاریخ گیلان تألیف ملا عبدالفتاح فومنی گیلانی به تصحیح و تحشیه دکتر منوچهر ستوده، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران؛ رجوع شود. و نیز نگاه کنید به «غریب شاه» نوشته محمود پاینده از انتشارات سحر.

۱۲۷- در کتاب «دارالمرزگیلان» و دیگر منابع دو عنوان «بیه پس» و «بیه پیش» ثبت گردیده است. مترجم در این کتاب دو عنوان را به صورت‌های فوق آورده است: «بی پیش، بی پس».

۱۲۸- متن: او.

محلّه بردسر:

تربتی دارد و رود بردسر از آنجا گذارا. پلی دارد دو چشمه  
خشت پل نام.

کاروانسرا بر:

تربتی دارد سید ابراهیم نام.

کاونبر:

بقعه پیر علی آنجاست. که چهار پادشاه آنجا مدفون است، علی کیا  
ابراهیم کیا، مظفر کیا، خرم کیا. تاریخ خط آن بقعه ۱۰۱۵=۱۶۰۶،  
بازار، میدان جامع اردوبار، تربت میر شهس‌الدین آنجاست.

خمیر کلا:

با امامزاده و تکیه و بقعه.

— شور محلّه. شعر باف محلّه.

تکیه ملامومن آنجاست.

بقاع مشهوره:

بقعه سید محمد، بقعه حکیم، آقامیر، آستانه مصلی

تکایا:

آقا حاجی باقر، میر کریم، پنج پیران، تکایا و بقاع ۲۷، مساجد  
۱۱، مدارس ۶ کاروانسرا پنج، دکاکین ۳۰۰، حمام ۱۰، خانه ۱۵۷۰،  
اشخاص ۸۰۰۰، مالیات ۴۰۰۰ تومان، مالیات گمرک لاهیجان و  
لنگرود ۷۰۰۰ تومان غیر مالیات اصل است.

دهات لاهیجان:

سرشکه، کولودبار، سیاه قلعه، فویچار، نقش کلا، چارکنسر،  
سه گوراب، کوچک سرده، نلکش، امیران ده، کوشالشر، حاجی بردسر،  
کوشان، کورانده، نیاکو، کیشم، کلاده، بزون، تیجن کونه (تربت  
است)، ذوالفقار، بازه کی گوراب، پیر بازار، چارده، فوشتوم، کورکا،  
چار کوچان، دهو، آسلانده، بین کلا، شالو کلا، نصیر کیاده، هاویه،  
ارداسان، اربستان، ربانه، کنفروب، لاکمسر، نوجار، نصرالله آباد،  
شیر جاپشت، نوشیر، مطلب محلّه، میشکی، آستانه جلال اشرف (که در

۳۱۱ آنجا مدفون است) شیخ نواده (در ۹۱۱=۱۵۰۵ آقا سید علی  
رضا آنجا مدفون است)، دزدنبه، دیوشل، لیلاکوه، (باغی به نام شاه  
دارد) از لنگرود تا لاهیجان دو فرسخ سنگین است.

لنگرود

در زمینی پست و یک فرسخ و نیمه دریاست. گویند نخست در  
کنار دریا و لنگرگاه<sup>۱۳۰</sup> بود، دهنه لنگرود را چمخاله می گفته‌اند.  
اکنون بیشتر جای‌های آن بسته، اجاره شیل آن ۳۰۰ تومان.

محلّات لنگرود:

محلّه فیشکی (بقعه آقا سید حسین آنجاست)، در مسجد راه پشته،  
گسگر محلّه — کی کلا — انزلی محلّه.

کاروانسرا سد، بقعه هفت، حمام چهار، تکیه چهار، دکاکین ۱۵۰،  
خانه ۵۴۰ [عدد].

دهات آن:

پوبرده، فلکسر، سندل چار، چپ، کورانده، سوراجار، مهمندان،  
بیت کلا، کلباغ، میر محلّه، گیل سفید.

[رودسر]

رودسر در دو فرسخی لنگرود [است]. کاروانسرائی بزرگ‌دارن  
هفته‌ای دو نوبت بازار دارد.

مسجد دو، تکیه ۴، خانه ۱۲۵، اشخاص ۴۰۰، مالیات ۲۰۰۰  
تومان.

در اطراف آن قبرستانی است، قبرهای بسیار دارد. از بیم حوادث  
نبش نکنند. اجاره شیل ۸۰ تومان.

دهات رودسر:

سرپل، لالده رود، تیمهجان، چابجیر، پل رود، کلاکچان  
دوست کوه، کزافرود قاسم آباد (باغی دارد [که] ۱۲ هزار  
درخت دارد)، شیر محلّه.

۱۳۰ — ظاهر آ باید لنگرخانه باشد.

راه لنگرود به رودس از چینی‌چان است، اجاره آن ۲۵۰ تومان. قاضی‌محلّه، کئی کلایه، امام‌زاده دوبرادران، سیاه کلارود [متعلق به رودس و رانکوه است].

دهات آن:

سیاه کلارود، چالچان، تیساکوه شاغوزینی، چاقونی‌محلّه، کل محلّه، خشک لات، رضا محلّه، کرجی‌محلّه، باغ دشت، شاه‌مردمخله (اطاقی<sup>۱۳۱</sup> در نیم فرسخی آن، بالای کوه برجی‌است اجرین به ارتفاع ۱۰ ذرع، در اطراف آن معدن مس و دیگر چیزهاست)، لرزان، جوز محلّه، خیاط محلّه، خشک رود اجاره شیل ۳۰ تومان، مالیات سیاه کلارود ۱۵۰۰ تومان. میان ده رود در نیم فرسخی سفید‌تمیشه و دو فرسخی آب گرم است. در جنگل اطراف آن بیر و پلنگ بسیار [است]. در بلوک لاهیجان ۱۳۰ ده است. اکثر ابریشم‌کار.

#### دارالمرز رشت

اهل رشت گویند لفظ رشت ماده تاریخ بنای این شهر است که ۹۰۰ = ۱۶۰۴ است. از زمان شاه‌عباس تا عهد محمد شاه به بازار گانی مشهور بود. از هند و بخارا و روم به سودای ابریشم آنجا آمدندی. سیاحان گویند نخست در شهر ۵۰ کاروانسرا بود. و شهر بسیار خوش وضع بود. خانه‌های<sup>۱۳۲</sup> بسیار بزرگ رو به دریا و پشت به میدان‌داشته. در میدان چندین توپ، جنوبی شهر تا کوه‌ها [ی] بازچه، روسیه در زمان تصرف، جنگل را بریده بودند. بزرگی شهر به مسافت پنج ورست مربع.

در ۱۶۳۶ نخست رشت گرفتار تاخت و تاز قزاق‌های دن گردید. پس از آن استنک زبینه آمده دولت و مال گزافی از آنجا برد. اکنون رشت از هر سو محدود به جنگلستان و توت‌زارهاست. به جهت پستی زمین شهر و بسته بودن هر سوی آن لجن‌زار و بدهوا، تب‌لرز خیز به حدی [است] که مثل است گویند: اگر مرگ می-

۱۳۱- متن: اطاق

۱۳۲- متن: خانهای

خواهی برو به گیلان.

رشت را دارالمرز گویند. سکه‌اش به‌همین نام. خانه‌های آن بیشتر آجرین، بام‌ها سفالین خانه [ای] که توان‌خانه گفت قونسل خانه روس است. کوجه‌ها تنگ‌ولی مفروش چاه‌ها در راه‌ها بسیار، و سرباز، حصاربندی ندارد. جز آثار حصار خراب روسیه که در کسر کویر ساخته [است]. گویند این جایگاه اول دیهی بود که از طغیان ویران شد پس از آن دیه این سوی رود ساختند که اکنون شهر است. درباب تصرف روسیه رشت را سیمانوف تفصیلی نوشته، من نیز مجملی خواهم نوشت.

در ۱۷۲۲ ایمپراطور مقرر فرموده بود که دوباتلیان لشکر به ابواب‌جمعی شیف در انجا باشد. و موافق نقشه سویمانوف، جایگاهی مناسب برای قلعه پیدا نمایند. در ۱۴ نوامبر که آغاز گردش دریائی شد عساکر در ۱۴ کشتی بودند شیف از انزلی کاپیتان بایزیکف را فرستاد تا وزیر و قونسل روس تدارک نقل احوال و انتقال از پیرم بازار نماید. در همان حال پطریچی مترجم روس از گسکر به نزد شیف آمد که ایلیچی ایران اسمعیل بیگ که او را از خشکی تا در بند مشایعت نمودم چون در دریا کشتی‌های روسیه را مشاهده نمود از طالش به رشت بازگشت که از دریا به آسانی به حاجی ترخان رود. اسمعیل بیگ با پسر خود طهماس<sup>۱۳۳</sup> مامور بود که به خدمت‌ایمپراطور آمده عهدنامه بندد به مخالفت و ضد میر محمود غلیجائی که سلطنت را غصب و شاه سلطان حسین را در بند داشت. و در ازای امداد روسیه وعده داده بودند که پاره‌ای سواحل دریای خزر را به روسیه باز گذارند. دو روز پس از این مقدمه داروغه شهر بایزیکف به نزد شیف آمده گفت که عساکر روسیه بی‌اذن پادشاه به رشت نمی‌توانستند داخل شد. شیف پاسخ داد که رشتیان خود از ایمپراطور خواهش نمودند که برای نگاهداری لشکری بفرستد. اینک بی‌دستوری شاه بازگشت

۱۳۳- ظاهر آ طهماسب باید باشد.

نتوانند. و شتاب نموده دو دسته سالدات<sup>۱۳۴</sup> با توپ و توپخانه داخل پیره بازار کرد و چند عراده توپ به کنار آورده باستانی نیز ساخت. چندی نگذشت وزیر با جلال تمام به همراهی دویست نفر سواره رسید. با نهایت خصوصیت شیف حکم پادشاه را نشان داده وزیر بوسید و بر سر نهاد. شیف با پنج دسته سالدات به رشت داخل شده، در کاروانسرائی که تجار روسیه بودند فرود آمد و کلوکین را با دو دسته سرباز در پیره بازار گذاشت. و از حاجی ترخان به پطر کبیر خیر دادند. قونسل روس در همان حالت در یکی از دهات، حکم پطر کبیر را خوانده بود که اگر قونسل ایران بخواهد به روسیه برود ممانعت نمایند. اصرار به شیف داشت که اسمعیل بیک را زودتر به روسیه روانه دارد. سیمانوف به لطایف الحیل در ۱۷۲۳ اول ماه یانور ایلچی را با دو کشتی روانه ساخت. در این اوقات ایرانیان نیز به رشت گرد آمدند که با دو وزیر گسکر و آستارا همه دهاتی و شمشیر بند و تفنگ فتیله داران شیف کاروانسرا را برج و بارو ساخته آذوقه را از پیره بازار آورده در اواخر فورال ماه ایرانیان تکلیف تخلیه رشت کردند. شیف تعال آورد و سیمانوف در کنار رودخانه کوری جایگاه قلعه را معین نموده در ۱۷ مارت ماه به حاجی ترخان رفت. شیف با یک قسمت عسکر در پیره بازار ماند. وزیر گسکر به سمت مرداب انزلی شد. که باستانی برای ممانعت کشتی های روسیه بسازد. و دوباره تکلیف تخلیه نمودند. سودمند نشد تیراندازی آغازیدند. کاپیتان رزین کشته شد. روسیه نیم شب دو دسته سالدات به همراهی سنیک روانه داشته ایرانیان را احاطه کردند. جنگ دریوست. از ایرانیان هزار نفر کشته گردید. بامدادان ایرانیان در بغاز انزلی سنگر ساخته، با کشتی ها آغاز جنگ نهادند. زلتاریف فرمان توپ انداختن داد. پس از ربعی طرفین ساکت شدند. و به روسیه امداد رسید. دهم ماه آگوست ۱۷۲۳ اسمعیل بیک



جاده ای در رشت

به پترزبورگ درآمد. و در ۱۴ ماه به حضور ایامپراطور مشرف شد در ۱۲ ماه سپتمبر بنا به اعتمادی که شاه طهماسب به ایلچی خود داده بود عهدنامه نوشته شد که داغستان و شیروانات و گیلانات و استر-آباد ابدالآباد به روسیه واگذار شود.

در ۲۲ ماه دکمبر ۱۷۲۴ جنرال مایور با توشکین با ۳۰۰ نفر وارد بندر انزلی [گردید] و از آنجا در ۲۴ ساعت به رشت آمد. آنگاه روسیه به حالتی بد بودند. چه ایرانیان ۲۰۰۰۰ قشون داشتند. لواشف رود کادیر پانصد نفر از سرباز دراکون و چند دسته آرامنه و گرجی و قزاق در برابر آنها داشت. روسیه را برای پاس دوقلعه بود، یکی کاروانسرا و دیگری جائی نزدیک دروازه قزوین. در غربی شهر نیز شیپف قلعه ساخته بود که پنج باستیان داشت. ماتوشکین به وزرا چگونگی را بیغام داد. و سودمند نیفتاد.

اسمعیل بیک از روسیه بازگشت. باخوف ورجا در رشت مقیم شد. ایرانیان او را خائن دانستند. روسیه [او را] به حاجی طرخان فرستاده بیست سال آنجا بزینت.

در ۱۷۲۷ آرامنه و تجار ایرانیان به روسیه آگاهی دادند که ایرانیان از رودخانه لنگرود شیخون خواهند آورد. روسیه تدارک کردند. بامدادان از دور اشکار شدند. ولی از ترس توپ پراکنده شدند. پس از سه روز باز هجوم آورده، برگشتند. و به همین سان بود. ولی رودخانه کلاچی مانع طرفین بود. در مارت ماه ایرانیان به آزار روسیه که در پیره بازار بودند کوشیدند. وزیر آستارا با دسته پیاده خود و چند دسته سواره در نزدیکی رود پیلور بند بود. روسیه سه باتلیان سرباز و قدری سواره به سروی فرستادند. ایرانیان شکست خورده، پاره [ای] به آب غرق شدند. و رسیدند به صاحب منصبی روسی که قدری سرباز همراه داشت. جنگ در پیوستند و سر جوقه لودف کشته گردید. این بود آخرین جنگ. پس از چندی چون خبر وفات پطر کبیر رسید ماتوشکین و شیپف بیرون آمده. در ۱۷۲۵ جنرال مالورباشف در گیلان ماند و پس از رفتن سویمانوف در غربی انزلی.

قلعه اکاتیرنپل نام بنا نهادند. چندی برنیامند که خراب شد. از طرف شرقی رشت رودخانه رودبار می گذرد و در هر جانامی دارد. بوسارد، پیلهدربند، گوهر رود، چمن سرا و غیره. در هنگام افزونی آب سیاه رود بار به پایه [ای] پر آب است که از پیره بازار تا به رشت با کرجی توان رفت.

#### محلات رشت:

محله زاهدان، متعلقات این محله: آقابادی الله<sup>۱۳۵</sup>، محله ساغری-سازان که آقا سید عباس.....<sup>۱۳۶</sup> محله سوخته تکیه: معصومه بنت امام رضا آنجا مدفون [است]. روز حبیب، سومابجار، خمیران زاهدان، [که] چهاربرادران در اینجا مدفونند (پاربندکلا ولی بزرگوار انجاست)، نصیرآباد. در محله زاهدان این مساجد است: سفید، مصطفی، حاجی سمیع، حمامات: نایب، حاجی حکیم، کوچک زاهدان، ابوطالب. قونسولگری روسیه نیز آنجاست.

محله چهارسرا<sup>۱۳۷</sup>: رودی به همین نام دارد. بقعه آقا<sup>۱۳۸</sup> دانای علی است.

محله کیاب: دو مسجد دارد. بیستون نیز دو مسجد دارد، کرف آباد، مسجد حاجی قاسمخان آنجاست. خلیاب، بی بی زینب دختر امام موسی کاظم آنجاست.

محله جیره کوچک: مسجد حاجی محمدخان و دو تکیه دارد.

محله استادسرا: عمارت حاکم رشت آنجاست.

محله بازار: مسجد جامع آنجاست.

محله صیقلان: دو تکیه دارد.

محله اقا سید کلان، در تمامی محلات ۵۴۶۳ خانه است.

مدارس مشهوره ۷، تکیه ۳۶، حمام ۱۷، مسجد ۲۲، مدرسه ۳۴.

۱۳۵- هتن: آقابادی الله

۱۳۶- جهله کامل نیست

۱۳۷- در هتن چوپان سرا هم آمده است

۱۳۸- هتن: آغا

### تفصیل حیدری و نعمتی

که در ایام عاشورا در رشت مستعمل است این است که مسلمانان عموماً دو طایفه‌اند، سنی و شیعه. و هر یک ازین دو طایفه یا به‌ظاهر قران و کتاب رفتار نمایند یا به تاویل و تفسیر طایفه. اول شریعتیان گویند. طایفه دوم چون با فیلسوفیه اندکی شرکت دارند طریقتیان و عرفا، این قاعده همیشه بوده چنانچه ابوذر شاگردان خود را از قاعده طریقت درس دادی وقتی کار بجائی انجامید که ۲۵ شعبه بودند. عجمان چون دین محمدی را به شمشیر پذیرفتند و هنوز آتش پرستی و آفتاب و ستاره پرستی از خاطر ایشان نرفته بود، بیشتر میل به طریقت کردند. چه در آن بوی تخریب دین محمدی شنیدندی و مانند نصاری رهبانیت گزیدندی با آنکه از راهبانیه فی‌الاسلام پیغمبر ایشان گفته بود علماء اعراب برای ترویج دین عرب احادیث و اخبار گفتندی و ترغیب و تحریض مردم به ظاهر شریعت و به دوستی ائمه می‌نمودند. بعدی که پاره مردم چنان مفتون شدند که اکنون هم دوستی ائمه را برابر با دوستی خداوند دانند. رفته رفته از شنیدن احادیث مختلف، آرا مختلف شد. در زمان صفویه دونفر عارف حیدر و نعمت نام اشکار شده، هر یک جمعی را فریفته خود ساختند و بیشتر احادیث پرداختند تا آنکه کار بدان رسید که پادشاهان صفویه خود را منسوب به آنان شهر دندی. شاه عباس را پسند آمد چه در وی مصالح مملکتیه دید و فرمان داد که محلات خود را از یکدیگر جدا سازند. وقتی شورشی ایرانیان به شاه‌اندیشیده بودند شاه بی‌آنکه بیبی در دل راه دهد گفت مرا طایفه حیدری و نعمتی بس است. این دو طایفه ازین سخن به غیرت آمده از دل و جان به خدمت سلطان کوشیدندی. پادشاه نیز همیشه خواستی که در شمار از یکدیگر افزون نباشند. ولی محلات و خانه‌ها جداگانه باشد. وقتی از یکی از پادشاهان صفویه پژوهش کردند که اگر این دو طایفه بر تو بشورند چه خواهی کردن، گفت به یکی از آنها

منسوب شوم این است سبب وضع حیدری و نعمتی. و سر این معنی آشکار است. این نام رفته رفته از میان رفته، اکنون مردم از آن اندیشه‌ها منصرف شده، این معنی را عملی مخصوص و طریقی معین دانند. و به عادت قدیمی در ایام محرم و شب عاشورا تجدیدمی‌نمایند. در هر یک از اطراف شهر دروازه‌ایست. و چند خانه گلین دارد. ولی از آثار دروازه‌گی چیزی نیست. برای آن است که چارپاداران و راهروان در آنجا آسایند و غلیانی کشند.

### دهات شمالی رشت:

مبارک‌آباد، منکوده، پیره‌بازار، افاکوچه پیر، کوماکول، کخ، مرداخ، لاله‌کا، تش، بیج، المان، یوداق، بوستک، پیلدربند، بوسار، خاج‌کین، کومشال، کبوتررود.

### دهات شرقی مرداب:

جوهرود، حمام، لت، پیرده، کلاه‌پا، خونا‌چاپر، پدولکو، پوران‌سرا، دالچه، آشه، چنچه، دیشکه، میش‌مندان، شکرسرا، سید سفیان، برکده، سه‌ده، ابراهیم‌سرا، دوچه، کیسه‌مندان، قاسم‌سرا، سیبه‌جار، کرکه، کرزده، پشتوم، سرکسر، خشک‌بندان، رشت‌آباد.

### دهات جنوبی رشت:

کیباخ، کرودار، سلیمان‌دره، باغ‌شاه، کل بردسر، سورندان، و جارپس، کلاسرا.

### دهات شرقی راه لاهیجان:

گردمحل، شال‌کوه، حاجی‌دیشه، پاچنار، لوچ‌گوراب، گوراب‌سر، گورابجیر، سکر‌مورده، پیر موسی، جان‌اکبر، امیر کوبتون، موجه، کوچه‌اصفاهان (یکشنبه بازار است)، لاله‌دشت، رودبارکی، رشت‌آباد (که کنار رود سفید است و آنطرف رود کیسم).

در زهستان از رشت به لاهیجان به جهت سختی راه‌ها سفر بسیار دشوار است. یکی از رودهای بزرگ سواحل جنوبی دریای خزر سفید رود است و گیلان را به شرقی و غربی بخش می‌نماید. و مشهور است به شیلاتی که از جانب دولت هر ساله ۲۱۰۰۰ تومان اجاره‌دهند.



و پیش ازین اجاره آن به ۸۰۰۰ تومان بود. و از روسید ۱۵۰ نفر برای این عمل می‌آورند.

شمار اقسام ماهیها که در آنجا صید می‌شود:

خارماهی	۷۵۰۰۰ در سفید رود	۶۰۰۰ در فرح آباد
دلفین	۵۰۰	
رسوروکی	۳۰۰۰۰	
سیم	۵۰۰ و در انزلی	۲۸۰۰۰
اشپل ۱۳۹	۵۰۰۰۰ پود	
سریشم سفید	۷۰۰۰۰ پود	
سریشم ماهی سیم	۶۵ پود	
مغز حرام ماهی	۱۲۰ پود	

ماهی‌های ریزه را با قریب صد پود اشپل ایرانیان خرند. مابقی را بد حاجی طرخان برند.

از سفید رود تا به انزلی ۱۰ فرسخ است.

دهات کنار مرداب که به تولم متعلقند:

نوخاله، تولابخاله، هندوخاله (طیور بسیار دارد) کیشستان، سیاه درویشان، لاکسار، سباوی، خم‌سر، زرگستان، احمد گوراب (که شاه صفی در آنجا زائیده شد)، پودیان، مس، صیقلان، پسخان، جمعه بازار، سیاه‌تون، کیخوران، دلامندان.

مالیات این دهات: ۹۰۰۰ تومان. از تولم رودخانه کوچک می‌گذرد و در همه صید ماهی می‌شود. اجاره همه ۳۰۰۰ تومان. عمده آنها، کسمه، پیشرودبار، سیاه رودبار، و پیره‌بازار اینجاست.

بدترین راه‌ها که در عالم تصور نمود راه پیره‌بازار است. در اکثر اوقات اسب تا به سینه به گل فرو نشیند. جوی‌ها در آن بسیار و هیچ پل ندارد. و اگر دو تخته به جای پل بهم انداخته باشند،

۱۳۹- نویسنده از این جا به بعد را جزء اقسام ماهی آورده است که درست نیست.

باعث خطر و موجب بیم است و گودال‌هاست که معلوم نیست. و بعضاً شخص فرو می‌رود. عجب آنکه به محض غفلت سر به شاخه درخت بند گردیده پای در رکاب مانده اسب به گودال گل فرورفته کلاه در گل کم، به هیچ وجه چاره نمی‌توان کرد. شخص آنجا یا صاحب کلاه است یا صاحب کله، اگر سر کننده نشود محض مرحمت خداوندی است هیچ مالی جز مال‌های رشتی از آنجا عبور نتوان کرد اگر چه یک فرسخ است، ولی در هوای بد، کمتر از یک روز راه نیست.

#### دهات عرض راه:

فتیب، بوسار، چله دربند، سیاره کنار، (این دهات در جنگل است و نتوان دید، گویند استنک‌رزینه با آن سخت‌جانی در اینجا کاری نتوانست کردن و شکست فاحشی خورد).

دهات متعلقه کیل گسکر که منسوب به طالش است:

اسپینه، زیکسر، امندان، خمیران، بهمن بد، طاهر گوراب، بیشه‌ده، مینابر. در گسار چهار محله و هفت مسجد است. دردهات آن ۱۴۰۰۰ ابریشم گرفته می‌شود.

#### [فومن]

در جنوبی غربی رشت دول فومن واقع است و راه آن جنگلستان و گل‌آلود و باریک و هیچ وقت نخشکد. جز یک تن نتوان گذشت. در سه ورسی عینک است که شکارگاه است و در نه ورستی شهر رود پسرخان و در سه ورستی پسرخان رود نیشامندان است و در یک فرسخی آن ده جمعه بازار که رودی باصفا دارد. تلمبار ابریشم کاران اینجاست. از رود جمعه بازار تا پانزده بار نگذرد براه راست نمی‌افتد. از رشت تا فومن سه فرسخ و نیم.

[فومن] پایتخت قدیم بیده‌پس است. اکنون دیه‌سی است ۱۴۰

۱۴۰- متن: «او» و «۴۵۰». همچنین مقدار «۴۵۰» معلوم نیست.

۱۴۱- متن: بین‌پسه